

طراحی صحنه از تفکر تا اجرا

هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود که:

- ۱- افراد با تخصص‌های مختلف را که در اجرای نمایش نقش دارند، نام ببرد.
- ۲- اطلاعات مورد نیاز طراح صحنه را بیان کند.
- ۳- طراحی صحنه را تعریف کند.
- ۴- نقش طراح صحنه از دوران یونان باستان تا به امروز را شرح دهد.
- ۵- مراحل طراحی صحنه را نام ببرد.
- ۶- مراحل طراحی صحنه را شرح دهد.

هنر تئاتر ترکیبی است از چند هنر متفاوت، که هر یک در اجرای نمایش نقشی بر عهده دارند. ترکیبی از هنر و تلاش نویسنده، کارگردان، بازیگران، طراح صحنه، طراح نور، طراح گریم، طراح لباس، سازندگان دکور، متصدیان نور و صدا، گرمورها، دوزندگان لباس، مدیر صحنه، منشی صحنه و دیگران است که اجرای یک نمایش را امکان‌پذیر می‌سازد. در این میان طراح صحنه نقش عمده‌ای در اجرای نمایش بر عهده دارد و برای دستیابی به یک طراحی متناسب و قابل قبول، علاوه بر اطلاعات جامعی که از معماری، نقاشی، پرسپکتیو، نقشه‌کشی، نور، رنگ، موسیقی، هنر فیلم و سینما و غیره (که اطلاعات تخصصی است) دارد، باید با مطالعه تاریخ، تاریخ تحولات اجتماعی، تاریخ هنر، تاریخ تحولات طراحی صحنه، تاریخ تئاتر، سبک‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ لباس و غیره؛ اطلاعات خود را تکمیل کند و با آگاهی کامل ایده‌ها و طرح‌های خود را ارائه دهد.

تعاریف و کاربردها

فضاسازی برای یک نمایش و تبدیل فضای غیرمرئی متن نمایشی به شکل دیداری روی صحنه را طراحی صحنه می‌نامیم. طراحی صحنه یعنی فضاسازی برای یک نمایش که فضای فیزیکی به کمک خط، سطح و حجم و فضای احساسی به وسیله رنگ و نور روی صحنه خلق می‌شود. طراحی صحنه ایجاد و خلق فضا است. فضائی همگون با سبک و شیوه اجرای نمایش، هماهنگ با متن مورد نظر کارگردان و متناسب با زمان و مکان وقوع داستان. در طراحی صحنه، فضای فیزیکی به کمک رنگ و نور القا شده و در نهایت با لباس و گریم و لوازم صحنه و موسیقی کامل می‌شود.

طراحی صحنه از بدو پیدایش تئاتر و نمایش، یکی از عوامل و عناصر اصلی آن بوده است. وقتی چند هزار سال پیش در یونان باستان اشیل یکه‌تاز صحنه تئاتر عصر خود به تنهایی و یا به کمک یک نفر دیگر نمایش را از ابتدا تا انتها اجرا می‌کرد، کارگردان و طراح صحنه به معنی امروزی وجود نداشت. اشیل، هم کارگردانی می‌کرد و هم طراحی و هم بازیگری در واقع همه این موارد بی‌آن‌که مستقیماً نامی از آن‌ها برده شود انجام می‌گرفت. وقتی در قسمت انتهای صحنه پنج در تعبیه می‌شد نه شش در و نه چهار در و یا وقتی ماشین‌آلات مختلف در روی صحنه مورد استفاده قرار می‌گرفت و یا وقتی برای هر نقشی ماسک بخصوصی مورد استفاده قرار می‌گرفت در واقع طراحی صحنه صورت می‌گرفته است و یا هنگامی که بازیگر از در وسط در قسمت انتهایی صحنه وارد می‌شد و پس از به چپ و راست رفتن در مرکز صحنه می‌ایستاد و تمام توجه تماشاگران و یا بهتر است بگوییم شرکت‌کنندگان را به خود جلب می‌کرد، در واقع به کار خود می‌زنان می‌داده و کارگردانی می‌کرده است. این وضعیت در طول تاریخ کم و بیش ادامه داشت تا این که نمایش‌های قرون وسطایی تحولی تازه در عرصه طراحی صحنه تئاتر به وجود آورد. این نمایش‌ها که در قالب اجرای صحنه‌ای و خیابانی (کارناوالی) اجرا می‌شدند، شکل بدیعی از صحنه‌پردازی به وجود آوردند. نمایش‌های قرون وسطایی که بر مبنای داستان‌ها و روایت‌های مذهبی نوشته می‌شدند در داخل و یا خارج کلیساها اجرا می‌شدند. تنوع در طراحی صحنه مشتمل بر صحنه‌های بهشت، دوزخ و برزخ همراه با جلوه‌های ویژه جذاب و تأثیرگذار، برای خود جایگاه مستقلی در یک مجموعه نمایشی پیدا کرد و جزو تفکیک‌ناپذیر آن شد. به طوری که امروزه بعید است نمایشی بدون داشتن طرح صحنه به روی صحنه برود. (حال چه این طراحی توسط طراح انجام شود و یا خود کارگردان) طراحان صحنه امروز دیگر نقاش صحنه نیستند تا صحنه‌ای خیالی و رؤیایی برای تئاترهای تشریفاتی طبقه اشراف نقاشی کنند بلکه معمارانی آشنا به تکنولوژی روی صحنه که در پی ایجاد فضا و جو نمایش هستند.

امروزه هدف طراح صحنه برانگیختن تحسین و تشویق تماشاچی برای دیدن یک معماری زیبا و دلفریب نیست بلکه هدف هر چه بیشتر نزدیک‌تر کردن فضای صحنه به حال و هوای نمایش است.

شاید وقتی برای اولین بار صحنه‌های تئاتر از نور (جریان الکتریسیته) بهره گرفتند، کسی گمان نمی‌کرد که روزی نور، در خدمت القای فضای نمایش قرار گیرد. وسایل نورپردازی در آن روزگار تنها برای روشن کردن صحنه به کار می‌رفت. اما امروزه طراحی نور و نورپردازی نقش بسیار عمده‌ای در اجرای نمایش دارند و ارزش نمایشی نور که برای اولین بار توسط افرادی چون «آپیا»^۱ و «گوردن کریگ»^۲ مطرح می‌شود بر هیچ دست‌اندرکار تئاتری پوشیده نیست.

مراحل طراحی صحنه

الف) مرحله تفکر: اگرچه ترسیم مکان، زمان و فضا در ذهن ممکن است راحت و آسان باشد، ولی به آگاهی قبلی از موضوعات و علوم و هنرهای مختلف نیاز دارد. مغز مانند یک رایانه است که داده‌ها را پردازش و نتیجه نهایی را عرضه می‌کند. تفاوت عمده مغز انسان و رایانه، احساس و سلیقه و خلاقیت در انسان است. رسیدن به این آمادگی ذهن نیازمند تلاش، آموختن و تجربه است. دامنه کار یک طراح صحنه به گستردگی بسیاری از علوم و فنون و هنرهاست. طراح صحنه لازم است اطلاعات جامعی از محیط اطراف خود داشته باشد. تاریخ، جغرافیا، مذهب، سیاست، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فرهنگ عامه، آداب و سنن، کشاورزی، پزشکی، صنعت، هنر و... علمی هستند که طراح باید درباره آن‌ها آگاهی داشته و یا در صورت لزوم به منابع آن دسترسی داشته باشند. طراح صحنه در هر کار جدیدی با موضوع، شغل و حرفه جدیدی روبروست. یک روز درباره ایران عصر قاجار، بار دیگر مساجد ایرانی، در نمایش دیگر زندگی آرامنه ایران و یا شاید در خصوص حرفه قصایی و یا حتی با آزمایشگاه یک فیزیکدان اتمی

۱- Adolphe Appia (۱۸۶۲-۱۹۴۸)

۲- Gordon Craig (۱۸۷۲-۱۹۶۶)



یا مطب یک پزشک و ... سر و کار دارد. از این رو لازم است طراح صحنه دامنه تفکر گسترده‌ای داشته باشد، باید کلیه اطلاعات را از طریق مراجعه به سوابق و تجارب قبلی و مطالعه و تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی و بازدید از محل‌ها و ... به دست آورد. از همین روست که گاه مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات ماه‌ها طول می‌کشد. با داشتن این اطلاعات است که تصاویر در ذهن طراح شکل می‌گیرد و در مرحله بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) مرحله اجرا: پس از کسب اطلاعات لازم طراح صحنه درباره موضوع نمایش به تفکر می‌پردازد و تصویرهای ذهنی خود را به صورت طرح‌های اولیه صحنه بر روی کاغذ پیاده می‌کند. از این رو او برای انجام این کار به دانش‌های دیگری نیاز دارد. طراحی، نقاشی، رنگ، نقشه‌کشی، پرسپکتیو، نور صحنه، سبک‌های مختلف هنری، سبک‌های معماری، تاریخ معماری و مبلمان، شناخت مواد و مصالح معماری، شناخت مواد و مصالح دکورسازی و ماکت‌سازی و کاربرد آن‌ها و ... مواردی هستند که طراح صحنه بایستی از آن‌ها اطلاعات کامل و تخصصی داشته باشد و از این رو است که معتقدند طراحی صحنه مجموعه‌ای از هنرهاست.

طراحی صحنه ممکن است ساده و خلاصه شده باشد، اما در پشت این سادگی، تفکر و اندیشه نهفته است. در طراحی صحنه باید از شلوغی به سادگی و از کل به جزء رسید. مثلاً نیما شعر کلاسیک را خیلی خوب و تخصصی می‌شناسد و به کلیه زوایا و نکات فنی آن آشناست. او از شعر کلاسیک به شعر نو می‌رسد. پیکاسو، اگر پشتوانه هنر کلاسیک را نداشت به عنوان سردمدار سبک کوبیسم، جایگاهی پیدا نمی‌کرد. پشت سادگی شعر نیما و تابلوهای پیکاسو یک دنیا آگاهی و دانش و تجربه نهفته است. طراحی صحنه هم باید پشتوانه داشته باشد.

آگاهی از جزئیات بناها چه از نظر شکل ظاهری و چه از نظر کاربرد مصالح و چه از نظر کاربرد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در دوره‌های مختلف از نکات عمده‌ای است که طراح صحنه باید اطلاعات کافی و کامل از آن‌ها داشته باشد. وقتی طراحی صحنه انجام گرفت، فضای مورد نظر ساخته شد، دقت در جزئیات باعث می‌شود فضای ایجاد شده طبیعی‌تر جلوه کند (و یا در مواردی عمداً طبیعی جلوه نکند) فضای ساخته شده نباید بی روح و مرده باشد. القای فضا و تأثیر مصالح مورد استفاده در دکور توسط بیننده بایستی همان باشد که در طبیعت موجود است (مگر عمداً این امر مورد نظر نباشد). از این رو انتخاب مصالح ساخت دکور به جای مصالح اصلی در طبیعت بسیار حائز اهمیت است. البته ممکن است آنچه را که طراح صحنه می‌سازد دقیقاً همانی نباشد که در واقعیت وجود دارد، اما باید همان احساس را برانگیزد و برای تماشاچی باورپذیر باشد. آیا واقعاً اولین مساجد ساخته شده به دست پیغمبر اسلام و مسلمانان صدر اسلام همانی است که در فیلم محمد رسول‌الله (ص) می‌بینیم؟ قطعاً این طور نیست، ولی طراح با مطالعه شرایط جغرافیایی و تاریخی منطقه و مصالح موجود در آن منطقه، دکوری را طراحی و اجرا می‌کند که تماشاچی راحت آن را می‌پذیرد و باور می‌کند. القای فضا در طراحی صحنه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور خلاصه باید گفت این فضاسازی است که معماری و احجام ساخته شده یا انتخاب شده را در خدمت نمایش قرار می‌دهد.

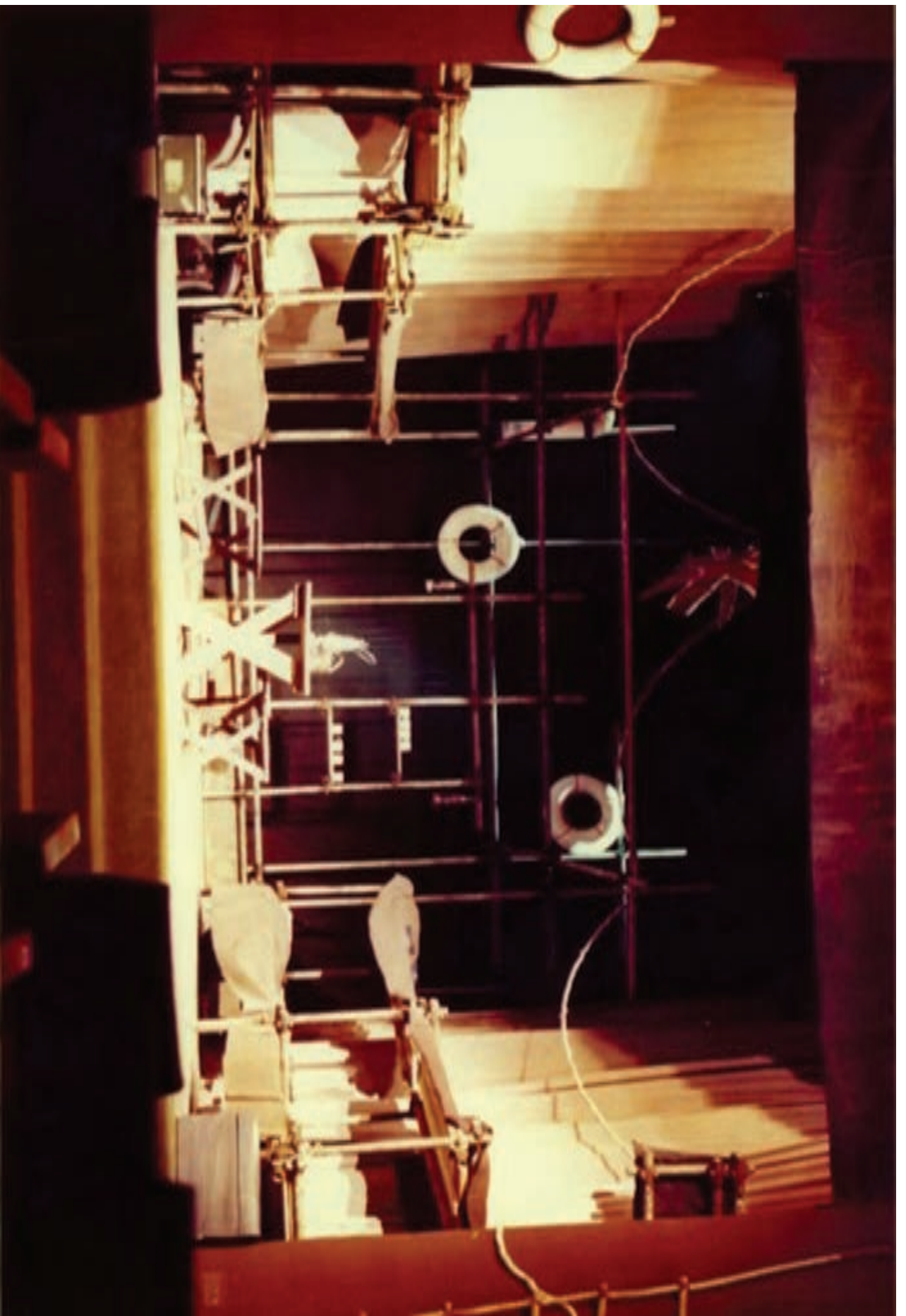




▲ شکل ۱-۱-۱ نمایشنامه پاروان، نویسنده: جین رانت (۱۹۱۰)، طراح صحنه: ژرژ رز، کارگردان: هانس لی ترو، اجرا: ۱۹۶۸ مونیخ.



شکل ۱-۲ - نمایشنامه صاحب مهمانخانه - اثر کارلو گواردینی



شکل ۱-۳



▲ شکل ۱-۳ و ۱-۴ در منطقه جنگی، یوچین، اوپیل، کارگردان: مصدعلی شکستیان، طراح صحنه: فریدون علیزادی - ۱۳۵۵، تهران.

خود آزمایی فصل اول

- ۱- افراد با تخصص‌های مختلف را که در اجرای نمایش نقش دارند، نام ببرید.
- ۲- اطلاعات موردنیاز طراح صحنه را بنویسید.
- ۳- طراحی صحنه را تعریف کنید.
- ۴- نقش و لزوم طراح صحنه از دوران یونان باستان تا به امروز را شرح دهید.
- ۵- مراحل طراحی صحنه را نام ببرید.
- ۶- مراحل طراحی صحنه را شرح دهید.



تاریخچه طراحی صحنه

هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود که:

- ۱- قسمت‌های مختلف معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان را نام ببرد.
- ۲- در مورد هر یک از قسمت‌های مختلف معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان توضیح دهد.
- ۳- وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتر یونان باستان را نام ببرد.
- ۴- کاربرد هر یک از وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتر یونان باستان را توضیح دهد.

دهد.

- ۵- تفاوت‌های معماری تئاترهای هلنی با معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان را بیان کند.
- ۶- در مورد معماری آمفی‌تئاترهای روم باستان توضیح دهد.
- ۷- در مورد وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتری روم باستان توضیح دهد.
- ۸- انواع صحنه‌آرایی در روم باستان را بیان کند.
- ۹- محل اجرای نمایش‌ها و معماری تئاتر در قرون وسطی را توضیح دهد.
- ۱۰- تکامل نمایش‌های مذهبی و محل اجرای نمایش‌ها در قرون وسطی را توضیح دهد.
- ۱۱- در مورد وسایل فنی مورد استفاده در تئاترهای قرون وسطی توضیح دهد.
- ۱۲- صحنه‌آرایی نمایش‌ها در قرون وسطی را توضیح دهد.
- ۱۳- موضوعات مختلف نمایش‌های مذهبی در قرون وسطی را بیان کند.
- ۱۴- جنبش رنسانس در اروپا را به اختصار شرح دهد.
- ۱۵- در مورد معماری تئاتر در دوران رنسانس توضیح دهد.
- ۱۶- علت به‌وجود آمدن صحنه‌های قاب عکسی در دوران رنسانس را به اختصار شرح دهد.
- ۱۷- کسانی را که در بوجود آمدن صحنه‌های قاب عکسی نقش داشته‌اند نام ببرد.
- ۱۸- نمونه‌های ساخته شده از تئاترهای با صحنه‌ی قاب عکسی در دوران رنسانس را نام ببرد.
- ۱۹- در مورد طراحی صحنه و استفاده طراحان از علم پرسپکتیو و منشورهای سه گوش و ... در دوران رنسانس توضیح دهد.
- ۲۰- انواع طراحی صحنه در دوران رنسانس را توضیح دهد.

معماری تئاتر در یونان باستان

ساختمان تئاتر در یونان باستان به شکل دایره بوده که دو سوم آن مخصوص نشست تماشاگران و یک سوم آن مخصوص اجرای نمایش‌ها بود. قسمت‌های مختلف این ساختمان‌های تئاتری (آمفی تئاترها) به شرح زیر است:

۱- تاترون (کاهه‌آ) و یا اودیتوریوم: تاترون که از کلمه تئاتر گرفته شده به معنی محل دیدن و مشاهده کردن است. قبل از به وجود آمدن ساختمان تئاتر، تماشاگران در سراسیمی دامنه تپه‌ها نشسته و به تماشای رقص، آوازهای همسرایان و نمایش‌ها می‌پرداختند که این محل را تاترون می‌نامیدند. بعدها همین قاعده در بنای تئاترهای یونان به کار گرفته شد و تئاترهای بسیاری بدین شیوه بنا شد. از جمله تئاتر دیونیزوس که در دامنه تپه آکروپل بنا شد.

تاترون به شکل نیم دایره بود که محل نشست تماشاگران به صورت پله پله و از سنگ ساخته می‌شد و علت ساختن تئاترها در دامنه تپه‌ها بیشتر به جهت سهولت در ساخت بنا بوده است. تماشاگران جهت تماشای برنامه‌ها، تشکچه‌هایی به همراه خود می‌بردند و از صبح تا غروب روی آن‌ها می‌نشستند. ردیف‌های جلو اختصاص به کاهنان اعظم و مقامات مهم سیاسی و اداری کشور داشت. تماشاگران از راهروهای مختلف وارد تاترون می‌شدند و ساختمان تاترون طوری بود که اطراف ارکسترا حلقه می‌زد و سه چهارم آن را در بر می‌گرفت.

۲- ارکسترا: ارکسترا محلی بود دایره شکل در قلب و جلوی تاترون که تماشاگران در اطراف آن قرار می‌گرفتند و مخصوص رقص و محل همسرایان بود و گاهی نیز مورد استفاده بازیگران قرار می‌گرفت.

۳- تیمل: تیمل به معنی مذبح و قربانگاه، محلی بود دایره شکل در وسط ارکسترا که قبل از شروع نمایش در این محل بزی را قربانی می‌کردند.

۴- پروسکینیون یا پروسینیوم: پروسینیوم که به معنی آوانسن امروزی است به قسمت جلوی صحنه اطلاق می‌شد که در اثر تحول و تکامل تئاترها به وجود آمد.

۵- اسکین یا اسکین: اسکین که به معنی چادر یا کلبه است و همان صحنه امروزی است. البته با توجه به معنی اسکین، گمان می‌رود محل تعویض لباس هنریشگان در انتهای پروسینیوم بود که در اثر گذشت زمان به پروسینیوم ملحق و محل اصلی اجرای نمایش‌ها گردیده است. در انتهای اسکین سه الی پنج در تعبیه می‌شد که در میانی مخصوص ورود هنریشه اول و درهای چپ و راست مخصوص هنریشگان دیگر بود. ورود بازیگران از در سمت چپ نشانه آمدن از راه‌های دور و ورود از در سمت راست نشانه آمدن از راه‌های نزدیک بود و نیز محل بزرگی برای قرار دادن وسایل و لوازم صحنه وجود داشته است.

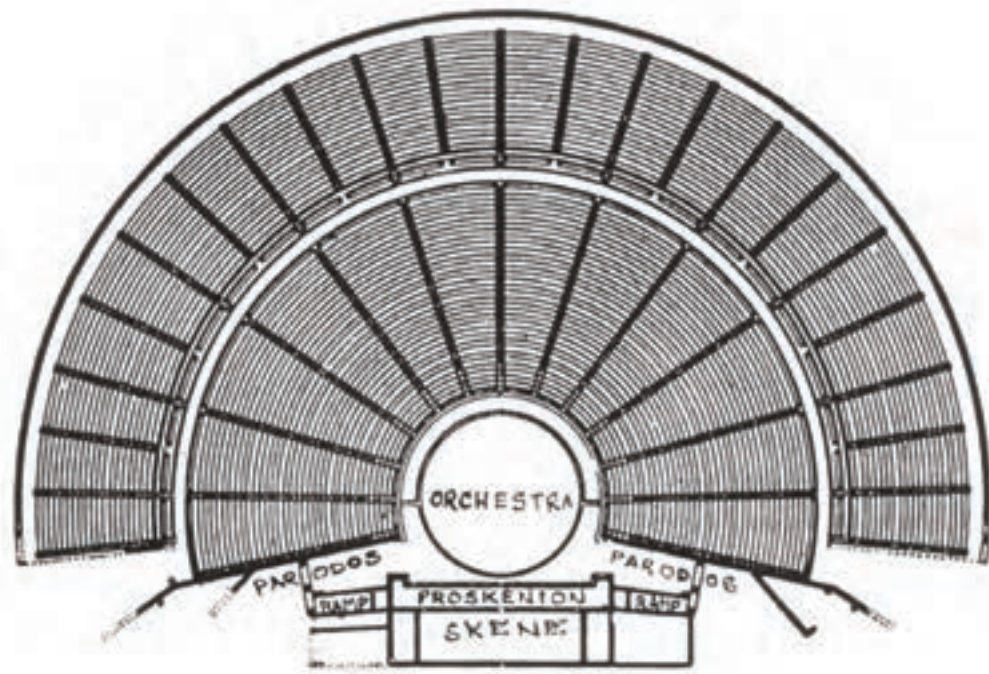
۶- تئولوژیون: تئولوژیون یا پشت بام اسکین، محلی بوده است که خدایان و قهرمانان در آنجا ظاهر شده و با بازیگران به صحبت می‌پرداختند.

۷- پارادوس: پارادوس راهروهای مسقفی بود که در دو طرف ارکسترا قرار داشت و آنجا محل ورود و خروج همسرایان بوده است. راهرو سمت راست نشانه ورود از شهرها و محل‌های نزدیک و راهروهای سمت چپ نشانه ورود از کشورهای و مکان‌های دور بود.

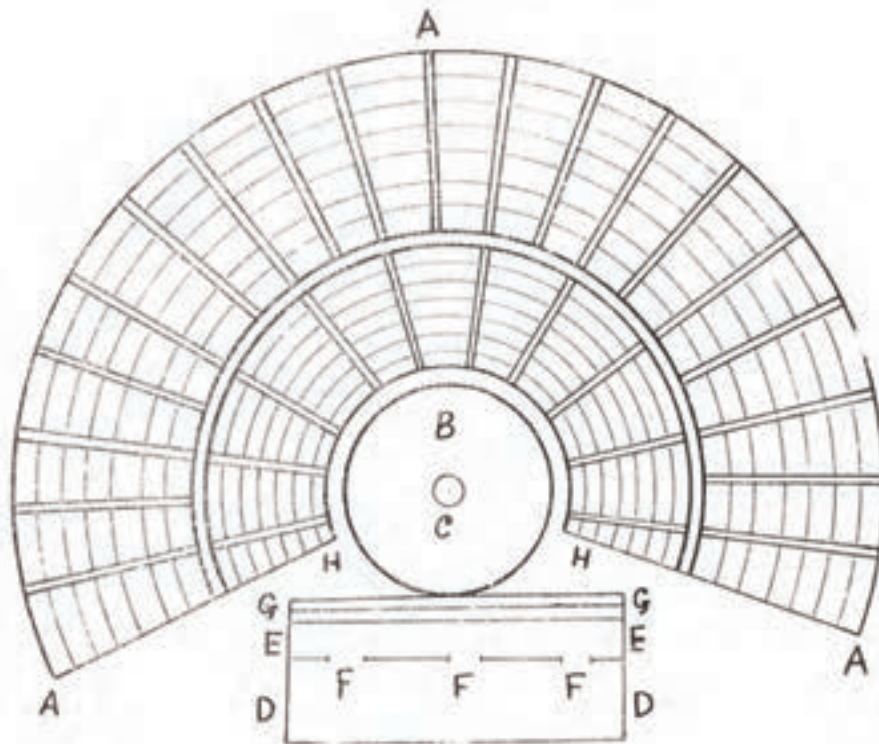
۸- رامپ: رامپ سطح شیب‌داری بود که دو طرف پروسینیوم را با یک شیب ملایم به سطح زمین وصل می‌کرد.

۹- فوندال: فوندال که برای قسمت‌های انتهایی هر دکور ساخته می‌شد ابتدا از جنس چوب بود و سپس به صورت یک ساختمان با خصوصیات معماری زمان خود در آمد و در واقع همان قسمت انتهایی اسکین بود که سه یا پنج در، جهت ورود و خروج هنریشگان به ترتیبی که قبلاً توضیح داده شد در آن تعبیه شده است. بعدها و به مرور زمان محلی در زیر صحنه به وجود آمد که بیشتر در نمایش‌های افسانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. در برخی از موارد به قسمت اسکین سقف نیز اضافه شده است.





▲ شکل ۱-۲- نقشه تئاتر در ایدوروس. این تصویر صحنه‌های مرتفعی با یک ارکسترای کاملاً مدور را نشان می‌دهد که آمد و رفت به صحنه در آن از طریق سطوح شیب‌دار انجام می‌گرفت. چنین نقشه‌ای برای تئاتر هلنی غیر معمول بود.

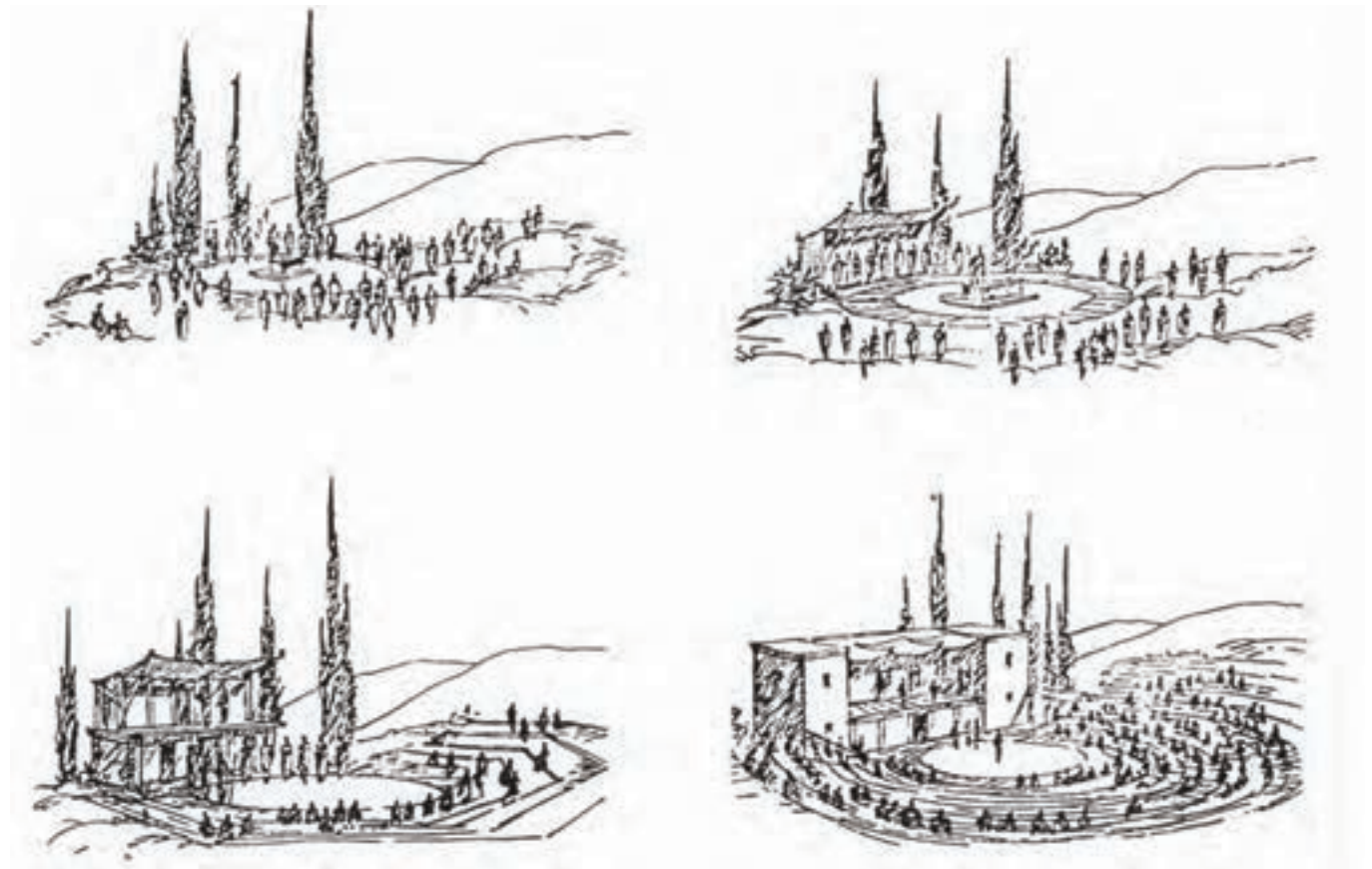


AAA = تئاتر - محل تماشاگران = B ارکستر = C محراب = DD = محلی که در آن لباس می‌پوشیدند و خود را برای بازی آماده می‌ساختند. EE = صحنه = GG = پله‌هایی که از صحنه به ارکستر می‌رود = HH = مدخل

▲ شکل ۲-۲



▲ شکل ۳-۲- بازسازی تئاتر در دیونوسوس، چنان که در زمان لوکورگوس در اواخر سده چهارم پیش از میلاد بر پا بوده است.



▲ شکل ۴-۲- روند تکاملی تئاتر یونان از میدان رقص سنتی تا بنای تئاتر کلاسیک

وسایل فنی و ماشین آلات صحنه و صحنه آرائی در یونان باستان

یونانیان باستان از وسایل فنی و ماشین آلات مختلفی در اجرای نمایش‌های خود استفاده می‌کردند و در این خصوص پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند. موفق به ساختن ماشین‌آلات گوناگون مورد نیاز نمایش‌های خود شده بودند و از آن‌ها به نحو بسیار مناسبی در نمایاندن اهداف نمایش سود می‌بردند. آنان برای نشان دادن مناظر و مکان‌های مورد نظر در هر نمایش، گاه از چند منشور سه گوش به نام «پریاکتوا»^۱ استفاده می‌کردند. بدین ترتیب که آن‌ها را تحت زاویه خاصی کنار هم قرار می‌دادند و در روی هر وجه منشور موضوع خاصی را که مد نظر داشتند نقاشی می‌کردند و با گرداندن منشور هر یک از صحنه‌هایی را که لازم داشتند در مقابل دید تماشاچیان قرار می‌دادند. دیواره‌های رنگ آمیزی شده‌ای به نام «پیناکس»^۲ نیز وجود داشت که در صحنه‌آرایی وسیله بسیار ساده ولی کاربردی بود. در طراحی صحنه از دکورهای نمادگرایانه برای بیان موضوع استفاده می‌شد و گاه فقط یک نشانه مربوط به موضوع نمایشنامه کلیه دکور صحنه را تشکیل می‌داده است و با وجود سادگی صحنه و دکور، عالی‌ترین اثرهای نمایشی در آن زمان اجرا می‌شد و با تغییر مختصری که در دکور به وجود می‌آمد صحنه از نظر مردم کاملاً تغییر یافته تلقی می‌شد. بازیگران یا همسران با خارج شدن از صحنه و ورود مجدد و یا با گردش به دور ارکسترا تغییر مکان را نشان می‌دادند. طراحی‌های مربوط به نقاشی روی گلدان‌ها که از گورستان‌های آن زمان کشف شده‌اند نشان دهنده عمق و حس فضایی است که به کمک پرسپکتیو در اوایل قرن ۵ پیش از میلاد به آن دست یافته بودند. یونانیان از اصول پرسپکتیو اطلاع داشتند و به نحو شایسته‌ای از آن استفاده می‌کردند. در زیر به شرح تعدادی از مهم‌ترین ماشین‌آلات و وسایل فنی مورد استفاده در یونان باستان می‌پردازیم.

- ۱- **اکی کلما**^۳: اکی کلما نام وسیله‌ای چهار چرخه بوده است که جهت تعویض دکور به کار می‌رفته و یا در حین بازی جهت حمل انسانی که نقش مرده‌ای را بازی می‌کرد، استفاده می‌شده است و در برخی از موارد، اکی کلما جزئی از دکور محسوب می‌شد.
- ۲- **مکین یا مکینا**^۴: نوعی جرتقیل برای به پرواز در آوردن خدایان و قهرمانان و یا معلق نگه داشتن آنان بوده است.
- ۳- **پراتیکابل**: سکوهایی چوبی بوده است که جهت امور مختلف از آن‌ها استفاده می‌شد و هنگام نیاز به روی صحنه آورده می‌شد و پس از اتمام آن قسمت از بازی از صحنه خارج می‌شد.
- ۴- **ارابه‌ها**: ارا به‌ها که گاه توسط اسب کشیده می‌شد بیشتر برای تشییع جنازه مردگان و یا به عنوان تخت روان و یا به عنوان وسیله انتقال و جا به جایی مجسمه‌های خدایان، مشعل‌ها و روشنایی‌های دیگر به منظور القای شب، به کار می‌رفتند.
- ۵- **صحنه متحرک**: ساخت صحنه متحرک دیگری روی صحنه اصلی در مواردی متداول بود که قصد داشتند زمین را از آسمان جدا کنند و عده‌ای روی زمین و عده‌ای دیگر در آسمان قرار گیرند و نقش خود را اجرا کنند. همان طوری که گفته شد این صحنه متحرک بود و می‌توانستند آن را به هر طرف که مایل بودند هدایت کنند.
- ۶- **پله‌ها**: پله‌های ارتباطی در زیر صحنه و پله‌هایی که گاه روی صحنه از آن‌ها استفاده می‌شد از دیگر وسایل صحنه آن روزگار به شمار می‌رفت.
- ۷- **دستگاه‌های افکت**: دستگاه‌هایی نیز برای تولید رعد و برق، باد و نور و غیره وجود داشت که در مواقع نیاز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۱- Periaktoi

۲- Pinakes

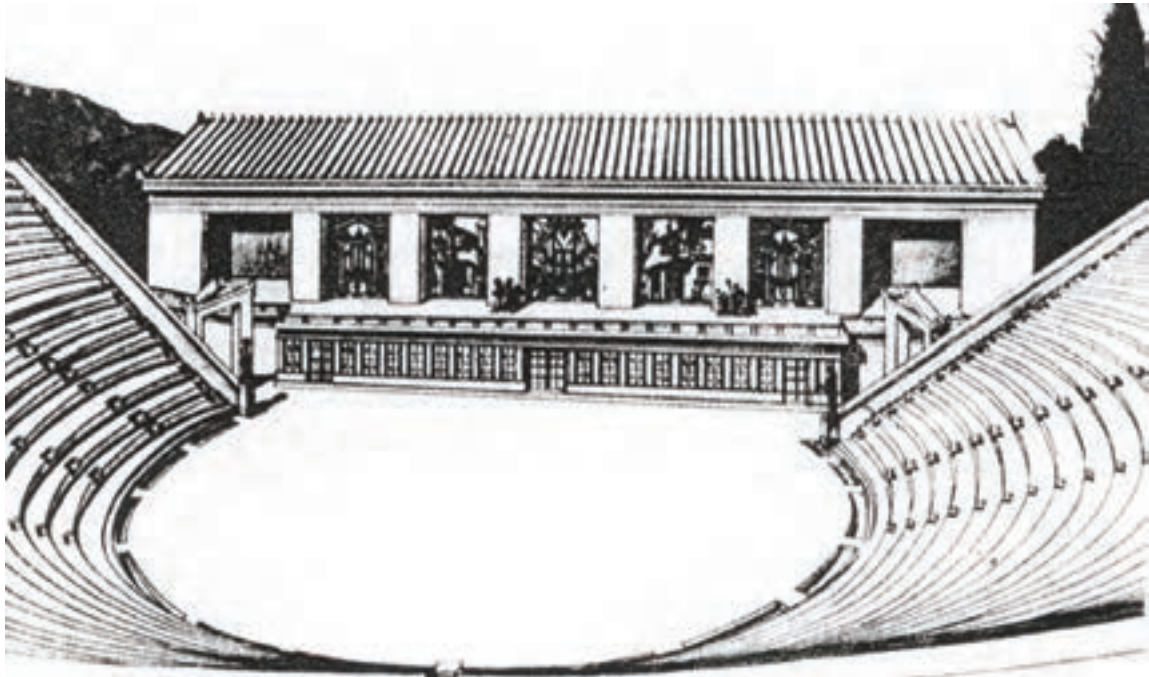
۳- Ekkiklema

۴- Mechane



معمار تئاتر هلنی

مورخان، دوران سلطه اسکندر کبیر را بر امپراتوری ایران، هند و مصر (۳۳۶ تا ۳۲۳ پیش از میلاد) دوران هلنی می‌نامند. اسکندر فرهنگ و رسوم یونانی را سراسر قلمرو خود گسترش داد اما یونان همچنان مرکز اصلی فرهنگ باقی ماند. مهم‌ترین وجه تمایز تئاتر هلنی با تئاتر یونانی رواج صحنه‌های مرتفع بود. این صحنه‌ها ۲/۵ الی ۴ متر ارتفاع، ۴۰ تا ۴۲ متر درازا و ۲ تا ۴ متر عمق داشتند. در این دوران صحنه، بزرگتر شد و رفته رفته از اهمیت همسرایان کم و بر اهمیت بازی بازیگران اضافه گردید.



▲ شکل ۵-۲- بازسازی یک تئاتر هلنی در افه سوس: به تیروماتا که هر یک به صورت یک صحنه پروسینیوم کوچک در آمده‌اند توجه شود.

معماری تئاتر، صحنه آرایبی، و وسایل فنی و ماشین آلات صحنه در روم باستان

تا سال ۵۵ پیش از میلاد محل ثابتی برای اجرای نمایش‌ها در روم وجود نداشت و نمایش‌ها در روی صحنه‌های موقت سکو مانند، که در کنار میادین و یا در کنار معابد احداث می‌شد، اجرا می‌شدند. تماشاچیان دور سکوهایی موقت ایستاده و به تماشا می‌پرداختند، بعدها سکوهایی نیز جهت نشست تماشاچیان ساخته شد و به تدریج صحنه و جایگاه تماشاچیان کامل‌تر شد. در سال ۱۴۵ پیش از میلاد تئاتر چوبی در شهر رم ساخته شد. این تئاتر شبیه تئاترهای هلنی و با سه در ورودی به روی صحنه بود. ۹۹ سال قبل از میلاد نقاشی فضاهای معماری و علم «پرسپکتیو»^۱ به قدری پیشرفت کرده بود که براساس یکی از نوشته‌های باقیمانده از آن دوران، نقش‌های ترسیم شده بر دیوارهای یکی از تئاترها به قدری واقعی به نظر می‌آمد که پرندگان سعی می‌کردند بر بام ساختمانی که در واقع نقاشی بود بنشینند و برای خود لانه بسازند.

در سال ۵۸ پیش از میلاد تئاتر چوبی مجللی با ظرفیت هشتاد هزار نفر تماشاچی ساخته شد. این تئاتر دارای سه طبقه با ۳۶۰

۱- نشان دادن فضای سه بعدی روی کاغذ (دو بعدی) را علم پرسپکتیو یا مناظر می‌گویند.



ستون بود. در ساخت طبقه اول این تئاتر از سنگ مرمر، طبقه دوم از شیشه و طبقه سوم از چوب مطلقاً استفاده شده بود. این ساختمان که با سه هزار مجسمه تزئین شده بود از شکوه و عظمت فوق العاده‌ای برخوردار بود تا اینکه به سال ۵۵ پیش از میلاد اولین تئاتر ثابت به صورت آلفی تئاترهای یونانی با نیمکت‌های سنگی توسط پمپی در شهر رُم ساخته شد. معبد ژئوس در قسمت بالای تئاتر پمپی قرار داشت و هفده هزار تماشاچی مشتاق روی نیمکت‌های سنگی این تئاتر می‌نشستند. این اولین تئاتر ثابت روم با ۱۵۰ ستون رنگارنگ مرمرین و سنگی و سیستم خنک‌کننده توسط بارش آب مصنوعی عظیمی فوق العاده داشت که تماشاچیان در آن به تماشای نمایش می‌پرداختند.

رومی‌ها اکثراً تئاترهای خود را در زمین مسطح بنا می‌کردند. (برعکس یونانی‌ها که تئاترها را در دامنه کوه‌ها می‌ساختند). استفاده از ستون‌های زیاد و طاق‌های قوسی از دیگر مشخصات تئاتر رومی است. ساختمان صحنه و تاترون به هم متصل بود و با ارتفاعی مساوی و به شکل دایره ساختمان واحدی را به وجود می‌آورد.

صحنه حدود ۱۵۰ سانتی‌متر از زمین ارتفاع داشت و خط جلوی صحنه بر قطر دایره ارکسترا منطبق بود. به عقیده عده‌ای در قسمت جلوی دهانه صحنه شیارها و گیره‌های مخصوصی جهت آویختن پرده وجود داشت ولی عده دیگری عقیده دارند این شیارها جهت اصلاح سیستم صدا (آگوستیک) تعبیه شده بودند.

صحنه‌های تئاترهای رومی بزرگتر از صحنه تئاترهای یونانی بود و عمق صحنه تا ۱۲ متر و دهانه صحنه از ۳۰ تا ۹۰ متر درازا داشت و در نتیجه امکانات بیشتری برای بازیکنان و استفاده از دکور در روی صحنه‌ها فراهم می‌شد. بر دیوار انتهایی صحنه سه و یا پنج در تعبیه می‌شد و گاه درهایی نیز در جناحین صحنه تعبیه شده و جلوی صحنه با ستون‌ها طاقچه‌ها و مجسمه‌های رنگی تزئین می‌کردند. بالای صحنه را گاهی به صورت مسقف در می‌آوردند تا ضمن محافظت صحنه از باد و باران به آگوستیک صحنه کمک کرده باشند.

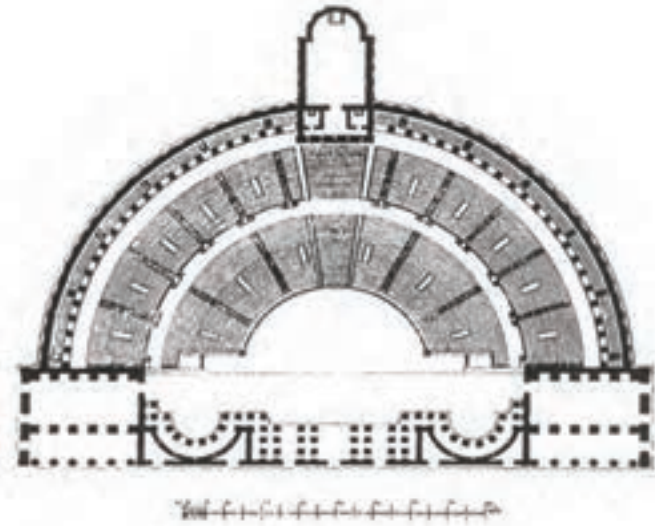
محل استراحت و تعویض لباس و گریم بازیگران در قسمت بالای صحنه قرار داشت و در برخی موارد در کف صحنه، درهایی به شکل مخفی تعبیه می‌کردند تا در مواقع لزوم از آن‌ها استفاده شود. رومی‌ها در قسمت تماشاگران سایبان نصب کردند تا تماشاچیان در زیر سایبان از آفتاب و باران در امان باشند.

صحنه‌آرایی رومی همانند صحنه‌آرایی یونانی ساده و سمبلیک بود. شاید رومی‌ها اولین کسانی باشند که از پرسپکتیو به شکل گسترده در صحنه‌آرایی نمایش‌های خود سود می‌بردند.

نقاشان بسیار ماهری به کار صحنه‌آرایی می‌پرداختند و صحنه‌ها را به طور طبیعی نقاشی می‌کردند به طوری که اگر یک درخت طبیعی و یک درخت نقاشی شده در روی صحنه وجود داشت تشخیص آن دو برای تماشاچی مشکل بود. جوشیدن چشمه و غرق شدن صحنه در آن، آتش زدن خانه‌ای در روی صحنه و نمایش دادن جنگل‌های پر از انواع حیوانات در روی صحنه و عبور دادن ۶۰۰ قاطر در عرض صحنه و نمایش دادن ۳۰۰ گوی در روی صحنه و غیره، از نشانه‌های وجود یک دانش قوی صحنه‌آرایی در آن زمان و در میان رومیان است.

ماشین‌آلات و وسایل فنی مورد استفاده رومی‌ها شبیه دستگاه‌های یونانیان بود با این تفاوت که رومی‌ها ضمن تقلید از یونانی‌ها به اصلاح و تکمیل ماشین‌آلات علاقه فراوانی نشان می‌دادند و پس از اصلاح و تکمیل آن‌ها و با تغییر نام هر یک از دستگاه‌ها، از آن‌ها در اجرای نمایش‌های خود سود می‌بردند. اصولاً رومی‌ها به فن و هنر برانگیختن شگفتی و اعجاز تماشاگران به خوبی آگاه بودند و با استفاده از ابزارهای مکانیکی پیچیده در به وجود آوردن صحنه‌های عجیب و غریب سعی فراوان داشتند.



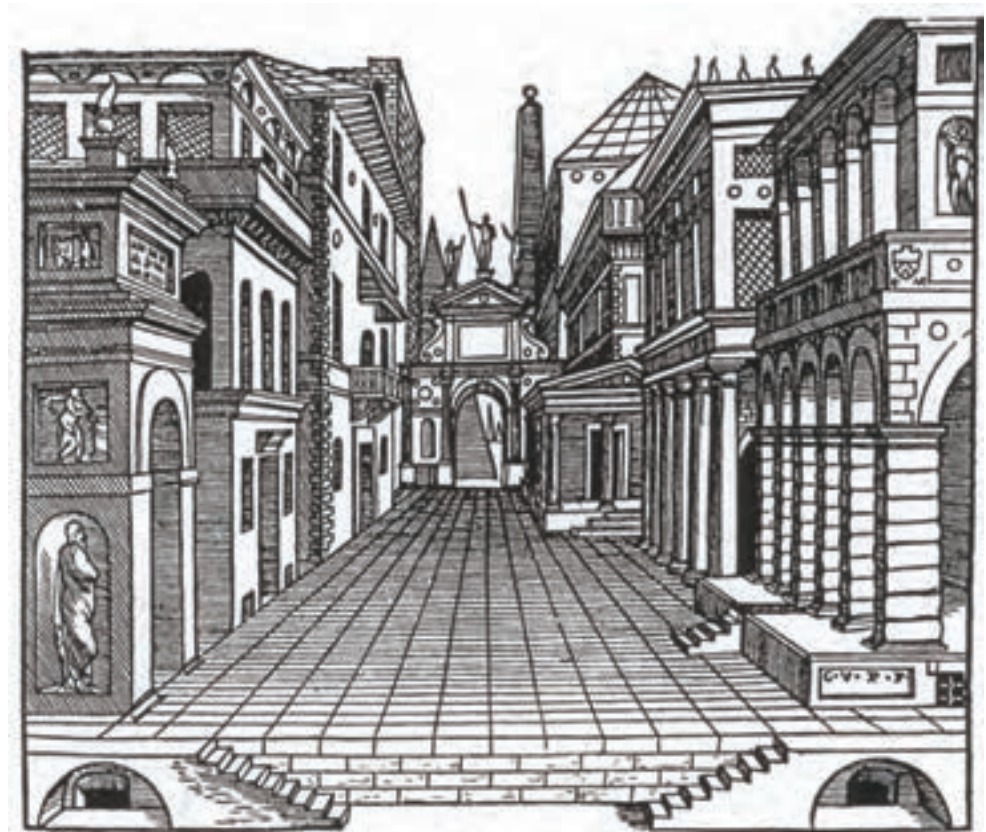


► شکل ۲-۶ — نقشه تئاتر پمپی که در اواخر دوران عظمت روم ساخته شده است. معبد ونوس در قسمت بالای نقشه و صحنه‌های بزرگ و پیچیده آن به نام اسکینارون در پایین دیده می‌شوند.

صحنه آرایبی در روم باستان

با اینکه رومی‌ها در صحنه‌آرایبی هم از یونانی‌ها الهام می‌گرفتند، ولی با ابتکارهای خاص خود در این زمینه بسیار پیشرفت کردند. رومی‌ها سلیقه خود را در استفاده از لته‌ها به خوبی نشان دادند و چنانکه گفته شد نقاشی‌ها به طبیعت بسیار نزدیک بود و به طور کلی از وسایل و تجهیزات کامل‌تری برخوردار بودند. سه نوع صحنه‌آرایبی در میان رومیان متداول بود:

- ۱- صحنه تراژیک: که از یک قصر پادشاه تشکیل می‌شد و چند طبقه بود و با یک ظرافت و دقت خاصی نقاشی می‌شد.
- ۲- صحنه کمیک: که از یک میدان و یا یک خیابان و دو خانه که روبه‌روی هم قرار داشت تشکیل می‌شد.
- ۳- صحنه روستایی و چوپانی: که از یک دهکده با درختان و گیاهان تشکیل می‌شد.

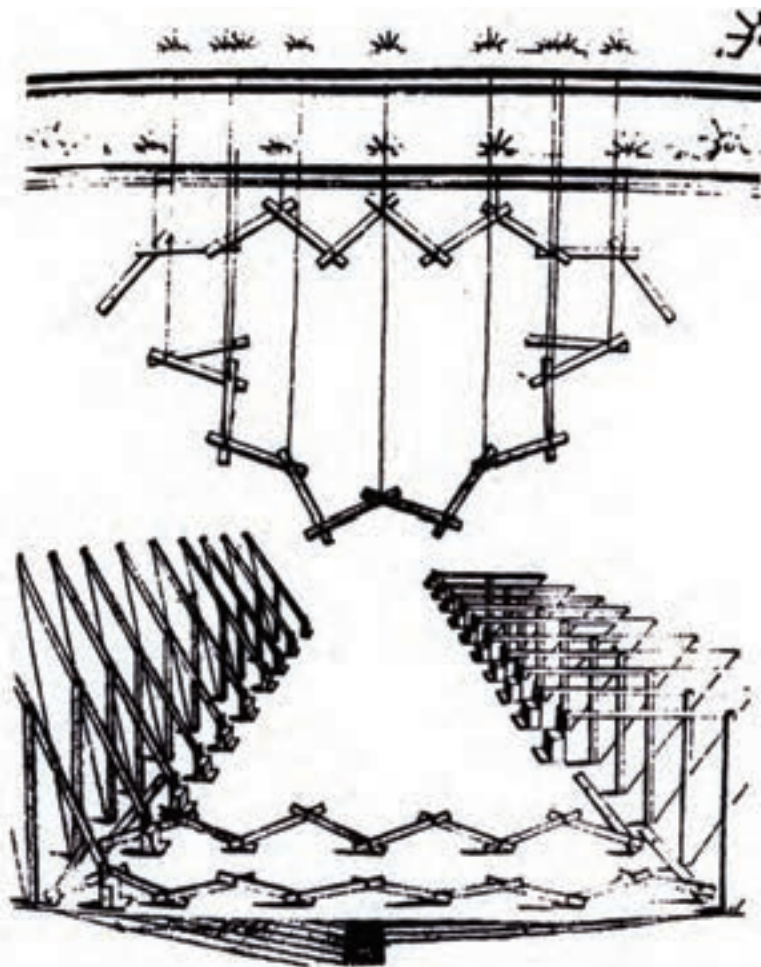


► شکل ۲-۷ — صحنه تراژیک سرلیو. از کتاب دوم معماری سرلیو، چاپ ۱۵۶۹، کتابخانه هنرهای زیبا، دانشگاه ایندیانا.





▲ شکل ۲-۸ و ۲-۹- صحنه‌های کمیک و پاستورال (روستایی) سرلیو. این هر دو تصویر از کتاب دوم معماری سرلیو، چاپ ۱۵۶۹، برگرفته شده‌اند. کتابخانه هنرهای زیبا، دانشگاه ایندیانا.



▲ شکل ۲-۱۰- وسایل مکانیکی صحنه تئاتر

تئاتر قرون وسطی (معماری تئاتر - وسایل فنی و ماشین آلات - صحنه آرایی)

تغییر مذهب کنسانتین در سال ۳۳۰ میلادی تأییدی است بر استیلای مسیحیت بر تمدن کهن یونان و روم. فرهنگ اروپایی طی قرن بعدی تحت سلطه و نفوذ کلیسای کاتولیک درآمد. پس از سال‌های اولیه مسیحی معابد و تالارهای تئاتر مکان‌های اولیه دعا و نیایش مسیحیان گردید. مجسمه‌های فلزی را ذوب و مجسمه‌های سنگی و مرمری را از بین بردند و تئاترهای کهن را جایگاه اعتلای مسیحیت کردند، ولی در برخی از کلیساها و صومعه‌ها تعداد کمی از کارهای باارزش دوران کلاسیک در خدمت مسیحیت قرار گرفت و از خطر نابودی مصون ماند. کلیساهای کاتولیک حدود دوازده قرن متمادی تئاتر ناپایدار خود را تغذیه کرد تا توانست با نیازهای رو به رشد خود انطباق پیدا کند. تئاتر برای نفوذ مسیحیت در سرتاسر اروپا برای تبلیغ ایمان و گسترش دین عیسی به کار گرفته شد. روش اجرای نمایش‌ها و وسایل اجرا نسبت به سیلغه‌های هر مملکت و مشخصات هر سرزمین و هر قوم متفاوت بود.

نمایش‌های اولیه در واقع قسمت‌هایی از مراسم مذهبی را به شکل استعاره مطرح می‌کرد، ولی بعدها در اثر گسترش و تکامل نمایش‌ها، مراسم مختلف مذهبی به شکلی مستقل و به عنوان نمایش مذهبی ارائه شد. این شکل از نمایش‌های مذهبی که فاقد زرق و برق بودند و ریشه در کتب عهد عتیق و عهد جدید داشتند نه تنها به زبان لاتین که زبان کلیسایی محسوب می‌شد، بلکه به دیگر زبان‌های هر سرزمین در ممالک گوناگون اجرا می‌شدند، این مجموعه نمایش‌ها در واقع آینه تمام‌نمایی از ایمان مسیحیت بود. صحنه تئاتر مسیحی همراه و همگام با نمایش توسعه و تکامل یافت. محراب اصلی کلیسا فضای کامل و بسیار پر مفهومی برای استعاره‌های نمایش آن زمان فراهم آورد و با افزایش پرده‌های نمایش، صحنه نمایش نیز از محل گروه کر به سالن کلیسا تغییر مکان داد. روحانیون نمایش‌های ساده خود را در آن دوران روی سکوهایی دارای دکور ارائه می‌کردند که به‌طور موقتی بین ستون‌های سالن کلیسا بر پا شده بود و عبادت‌کنندگان آن را به‌گونه‌ای احاطه می‌کردند. بعدها درب‌های بزرگ کلیسا باز شد و سکوهایی نمایش همراه با وسایل و تجهیزات مربوطه تغییر مکان داد و به وضعیت مکانی بهتری در محوطه جلوی کلیسا دست یافتند. گروه مردم مشتاق تجمع یافته در جلوی کلیساها کم‌کم از قالب نیایشگران بیرون آمده و به تماشاگران نمایش مبدل شدند. در بیشتر شهرها کلیسای جامع، کانون اجرای نمایش‌ها بود که نقش معنوی و مادی خود را تماماً ایفا می‌کرد و قبل از هر چیز خانه خدا محسوب می‌شد و الهام بخش، متعالی، سرشار از زیبایی و رمز و حیرتی مقدس گونه بود و از جنبه مادی از آن به عنوان دژ، مدرسه، بیمارستان، محل تجمع و اجرای نمایش استفاده می‌شد. از نمای کلیساها به‌عنوان دکور استفاده می‌کردند و در مواقع لزوم دکورهای مجزائی نیز ساخته و در جلوی کلیساها قرار می‌دادند و بسته به موضوع نمایش‌ها که در ارتباط با ذکر مصائب حضرت عیسی و حواریون و غیره بود، دکورها نیز تغییر می‌کرد. از معمول‌ترین صحنه‌ها ساخت صحنه‌های بهشت و جهنم بود که توسط هنرمندان مذهبی آن زمان به صورت دکور ساخته می‌شدند.



▲ شکل ۱۱-۲- صحنه‌ای از یک نمایش مصائب در والنسین که در سال ۱۵۴۷ میلادی اجرا شده است. عمارت بهشت

در سمت چپ و عمارت دوزخ یا دروازه جهنم در سمت راست قابل توجه است. عمارت‌هایی که بین این دو مشاهده می‌شوند،

هر روز نسبت به نیاز نمایشنامه تغییر می‌یافتند. برای اجرای این نمایش ۲۵ روز وقت لازم بود. کتابخانه ملی پاریس





▲ شکل ۱۲-۲ - نمایش مذهبی در داخل کلیسا



▲ شکل ۱۳-۲ - نمایش زنان مقدس در کنار مقبره که در عید پاک توسط کنشیشان در جلوی پلکان محراب اجرا می‌شد.



▲ شکل ۱۴-۲- مراسم مذهبی در داخل کلیسا



▲ شکل ۱۵-۲- نمایش در حال اجرا در بیرون از یک کلیسای بزرگ جامع



در قرون وسطی علاوه بر صحنه‌های ثابت داخل و خارج کلیساها، صحنه‌های متحرک نیز در برخی از کشورها از جمله انگلستان، اسپانیا، هلند، بلژیک و غیره مرسوم و متداول بوده است. در واگن‌های نمایشی علاوه بر صحنه‌ای که جهت نمایش وجود داشت، محل‌هایی نیز در قسمت زیر برای تعویض لباس و گریم کردن بازیگران و غیره پیش‌بینی می‌شده است و گاه نیز از خود واگن به منظور مقاصد فوق استفاده می‌شد و نمایش در روی سکوی متصل به واگن اصلی اجرا می‌شد.

در اواخر قرون وسطی محل اجرای نمایش‌ها با رهایی نمایش از حاکمیت کلیسا به سرعت تغییر کرده و صحنه‌های ثابت نمایش به آمفی‌تئاترهای رومی، ساختمان‌های مدوری که جهت نمایش‌ها و دیگر مراسم ساخته شده بودند، به بیمارستان‌ها، گورستان‌ها، حیاط خانه‌های شخصی، دیرها و خیابان‌ها و میدانی بزرگ شهر منتقل شده و تماشاچیان بسته به نوع صحنه در یک طرف و یا سه طرف صحنه جمع می‌شدند و به تماشای نمایش‌ها می‌پرداختند.

از معمول‌ترین صحنه‌ها، سکوی مستطیل شکلی بود که در مقابل عمارت‌ها قرار داده می‌شد. اندازه و ارتفاع صحنه‌ها از تنوع بسیار زیادی برخوردار بود و شکل ثابتی برای صحنه‌ها وجود نداشت. نمایش‌ها در هر کشوری در محل‌های مخصوص اجرا می‌شدند از جمله در انگلستان بیشتر روی واگن‌های نمایشی، در فرانسه در روی یک صحنه طولی بر پا شده در نقاط مختلف از جمله میدانی و بیمارستان‌ها، در آلمان روی سکوها، در اسپانیا روی شناورهای متحرک، در ایتالیا روی صحنه‌های ثابت و یا واگن‌های نمایشی و در برخی از کشورها مثل فرانسه گاه نمایش‌ها در بیمارستان‌ها نیز اجرا می‌شدند.

استفاده از ماشین‌آلات گوناگون به منظور به پرواز در آوردن شخصیت‌ها، ایجاد شعله‌های آتش در قسمت جهنم، بارش غذا و نان از آسمان به منظور سیر کردن جمعیت گرسنه، پژمردن درخت روی صحنه، جوشیدن چشمه آب، ایجاد طوفان، بارش باران، راه رفتن حضرت مسیح بر سطح آب، بریدن سر، تبدیل حیوانی به حیوان دیگر، ایجاد نور و هاله توسط انعکاس نور مشعل یک سطح براق، ظاهر نمودن حیوانات وحشی و غیره در روی صحنه بسیار متداول بوده و تعداد زیادی از کارگران فنی در هر نمایش به کار گرفته می‌شدند.



▲ شکل ۱۶-۲. یک واگن که بالاتر از سطح زمین ساخته می‌شود تا بازیگران بتوانند به زیر آن رفته و لباس‌هایشان را تعویض کنند.





▲ شکل ۱۷-۲- نمایش‌ها احتمالاً هم روی واگن‌ها و هم در خیابان‌ها اجرا می‌شوند.



▲ شکل ۱۸-۲- بازیگران در حال اجرای نمایش در محوطه بیرونی یک کاروانسرای روستایی





▲ شکل ۱۹-۲- نمایش در حال اجرا در خانه یکی از اشراف



▲ شکل ۲۰-۲- نمایی از بالا از اجرای نمایش در یک کاروانسرا



▲ شکل ۲-۲۱ - اجرای نمایش با ایده‌های طراحی صحنه در صحنه الیزابتین



▲ شکل ۲-۲۲ - یک صحنه نمایش در کلیسا

رسانس یا تولد دوباره یا تجدید حیات یا نوزایی، جنبشی است بسیار گسترده و پیچیده که نمی‌توان آن را در یک جمله کوتاه تعریف کرد. برخی از مورخان شروع رسانس را از سال ۱۳۰۰ می‌دانند ولی همگی بر تسلط و سلطه عناصر قرون وسطایی تا سال ۱۵۰۰ تأکید دارند و بایستی این نکته را در نظر داشت که همان نیروها و عناصری که به تدریج باعث سرنگونی فرهنگ قرون وسطایی بودند، در به وجود آمدن رسانس نیز نقش داشتند. به عبارت دیگر، باید گفت اروپا پس از اینکه دوران «گوتیک»^۱ را پیروزمندانه پشت سر گذاشت، برای به‌ظهور رساندن رسانس، قرن چهاردهم را به نفس تازه کردن و مطالعه گذراند. ظهور رسانس با سقوط فتودالیسم، رشد شهرنشینی و مقابله با تعالیم کلیسائی و به قدرت رسیدن شاهزادگان به همراه بوده است. رسانس بازگشتی است به ارزش‌های انسانی و زندگی زمینی و به قولی هدف رسانس انسان‌گرایی بود ولی این هدف با نیروی محرکه‌ای به نام فردگرایی دنبال می‌شد. شاید اطلاق عهد اکتشاف یکی از بهترین توصیف‌ها برای این عصر باشد. کشفیات کریستف کلمب، ماژلان، واسکودوگاما و غیره، دید علمی جدیدی به انسان آن عصر دارد، به نحوی که میل به اثبات مسائل مطرح شده در جامعه در انسان‌ها پیدا شد، تا جایی که دیگر حاضر به چشم بسته قبول کردن مسائل نبود.

معماری تئاتر در دوره رسانس

با تمام توجهی که در دوران رسانس به هنر نمایش وجود داشت ولی نمایش‌ها به مناسبت‌های گوناگون در سالن‌های فرهنگستان‌ها و یا دربار شاهان و یا در محوطه کاخ‌ها و باغ‌ها اجرا می‌شدند و ساختمان‌های دائمی تئاتر با کندی به رشد خود ادامه می‌دادند. بعدها اجرای نمایش‌ها به تالارهای ضیافت و دیگر تالارهای بزرگ شهرها منتقل شد و در این تالارها بود که صحنه‌های تئاتر به تدریج شکل گرفتند و ساخته شدند. به عبارت دیگر باید گفت نوآوری‌های پر زرق و برق در روی صحنه‌ها و اهمیت دادن روزافزون عموم مردم به هنرنمایی، انتقال دائمی تئاتر را به مکان‌های مسقف ایجاب کرد و وجود فضای محدود صحنه‌های آن زمان لزوم استفاده بیشتر از پرسپکتیو و ضرورت جدائی پرسپکتیو را ضروری کرد. در این زمان مکان تماشاگران نیز به شکل مستطیل درآمد و در اطراف ارکسترا جایگاه‌هایی مخصوص شاهان و درباریان و مقامات بالای مملکتی ساخته شد و ارتفاع صحنه تا حد ارتفاع چشم تماشاگران بالا آمد. پرسپکتیو و کلیه عوامل صحنه‌ای طوری ترتیب داده می‌شدند تا بهترین نقطه دید از آن جایگاه مخصوص باشد. صحنه‌ها معمولاً از یک قسمت مسطح در قسمت جلو و یک قسمت شیب‌دار در قسمت عقب صحنه (به جهت تشدید عمق صحنه) تشکیل می‌شدند. رواج دهنده این نوع صحنه‌ها معماری به نام «سباستینو سرلیو»^۲ بود، که بین سال‌های ۱۴۵۷ تا ۱۵۵۴ می‌زیسته است.

قدیمی‌ترین تئاتر دائمی به‌جا مانده از زمان رسانس، تئاتر «الیمپیکو»^۳ است که بین سال‌های ۱۵۸۰ تا ۱۵۸۴ ساخته شد. محل تماشاگران در این تئاتر به شکل نیمه یک بیضی است و صحنه‌ای مستطیل شکل دارد و در قسمت انتهایی صحنه نمای ساختمانی با ستون‌ها و طاقچه‌ها و مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها قرار داشت، که به وسیله دو ورودی به پشت صحنه ارتباط پیدا می‌کرد. دو ورودی در سمت راست و چپ و سه ورودی رو به روی تماشاچیان قرار داشت.

پس از تئاتر الیمپیکو، تئاتر دیگری توسط «وینچنزو اسکاموتزی»^۴ (۱۶۱۶ - ۱۵۵۲) در یکی از شهرهای ایتالیا بنا شد، که جایگاه تماشاچیان به شکل نیم دایره بود و به‌عنوان یکی از تئاترهای باقی مانده از دوره رسانس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱- Gothic - سبکی هنری که از اوایل قرن ۱۲ تا اواخر قرن ۱۴ میلادی در اروپا رواج داشت.

۲- Sebastino Serlio

۳- Teatro Olimpico

۴- Vinechnzo Scamozzi



ولی نزدیک‌ترین تئاتر به تئاتر امروزی تئاتری است که توسط «جیامیاتستا آله واتی»^۱ در پارما ساخته شد که به «تئاتر و فارنیز» معروف است. این تئاتر در سال ۱۶۲۸ افتتاح گردید و از این به بعد است که تئاترهای به اصطلاح قاب عکسی در تمام اروپا رواج پیدا می‌کند و عده‌ای را عقیده بر آن است که تئاتر قاب عکسی نشأت گرفته از نقاشی‌های پرسپکتیوی است که اطراف آن‌ها کادربندی می‌شده است.

پیشرفت‌های همه جانبه در هنر نمایش را باید مدیون انتشار رساله «ویتروویوس»^۲ دانست که درباره معماری رومن بود و در سال ۱۴۸۶ انتشار یافت که مرجع اصلی معماران و صحنه‌آرایان زمان خود بود و اهمیتی همانند فن شعر ارسطو داشت.

استفاده فراوان از پرسپکتیو، استفاده از «پریاکتوا» استفاده از دکورهای متحرک، نورپردازی به وسیله شمع و چراغ‌های نفتی که تا آن زمان مرسوم نبود و استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته در روی صحنه از نوآوری‌ها و پیشرفت‌های صحنه‌آرایی دوران رنسانس به شمار می‌رود. در این دوره از هنر نقاشی به نحو احسن در نشان دادن مناظر گوناگون استفاده می‌شد و تا اواسط قرن ۱۷ اکثر صحنه‌های نمایش‌ها به پیروی از سنت کلاسیک منظره خارجی فضای مورد نظر را نشان می‌داد. قسمت بالای صحنه به صورت آسمان صاف و یا ابری نقاشی می‌شد و گاه پارچه‌ای را همانند چادری به روی صحنه می‌کشیدند. دکور از سه عنصر یعنی بال‌های دو طرف پرده‌های عقب و پرده پوششی بالای صحنه تشکیل می‌شد که هر سه قابل تعویض بودند.

ایجاد صحنه‌های طبیعی از جمله نشان دادن خانه‌ها، قصرها، جنگل‌ها، صخره‌ها، آبشار، معابد، قایق‌های روی آب، جزیره شناور روی آب، بیرون آمدن یک دسته از خدایان و قهرمانان از یک باغ زیر دریایی و فوران کوه آتشفشان و غیره از رویدادهای عادی آن روزگار در روی صحنه‌ها به‌شمار می‌رفت.

صحنه‌آرایی (طراحی صحنه) در دوران رنسانس

قبل از دوران رنسانس دکورها بسیار ساده بودند و طراحی صحنه و صحنه‌آرایی نزد عامه مردم اهمیت چندانی نداشت. ولی با احیاء درام کلاسیک در این دوره توجه و خواست عمومی متوجه طراحی صحنه می‌شود. با وارد شدن هنر پرسپکتیو در کار طراحی صحنه این توجه به نهایت خود می‌رسد. بایستی متذکر شد که در نظر تعدادی از مردم پرسپکتیو عملی مشابه جادوگری به‌شمار می‌رفت. تلفیق و ترکیب لته‌های دکور با پرده‌های نقاشی پرسپکتیو در قرن پانزدهم معمول شد. ماشین‌آلات صحنه و وسایل نورپردازی در این زمان تکامل قابل توجهی یافتند و معمولاً سه نوع دکور در نمایش‌ها وجود داشت.

۱- دکور تراژدی که متشکل از یک اتاق، یک یا دو خیابان و دو طاق در طرفین با ستون‌ها، سنگ فرش‌ها و مجسمه‌ها و دیگر اشیایی که شایسته شاهان و بزرگان بود.

۲- دکور کمدی متشکل از یک میدان و چند خانه و یا یک اقامتگاه خصوصی همراه با ایوان‌ها و ردیف پنجره‌های خانه‌ها بود.

۳- دکور روستایی که متشکل از کوه‌ها، رودخانه و سایر مناظر طبیعی بود.

رفته رفته دکورهای متعدد و پیشرفته دیگری به وجود آمد که رونق چشمگیری به کار طراحی صحنه داد. دوره رنسانس در قرن ۱۵ و ۱۶ به اوج خود رسید و علاوه بر ایتالیا در فرانسه، اسپانیا، انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی توسعه یافت.

«آرستوتیل داسانگو» و «سباستینو سرلیو» در ایتالیا، «یان» و «ردمان دووریس» در هلند، بلژیک و آلمان از معروف‌ترین طراحان صحنه دوران رنسانس به‌شمار می‌روند.

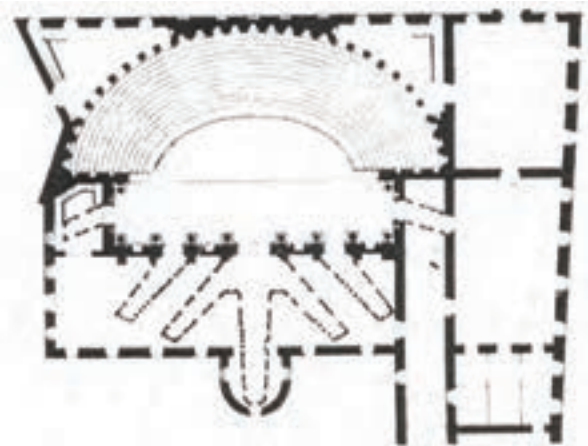
۱- Jiamiatista Ale Vaty

۲- Vitroviyos

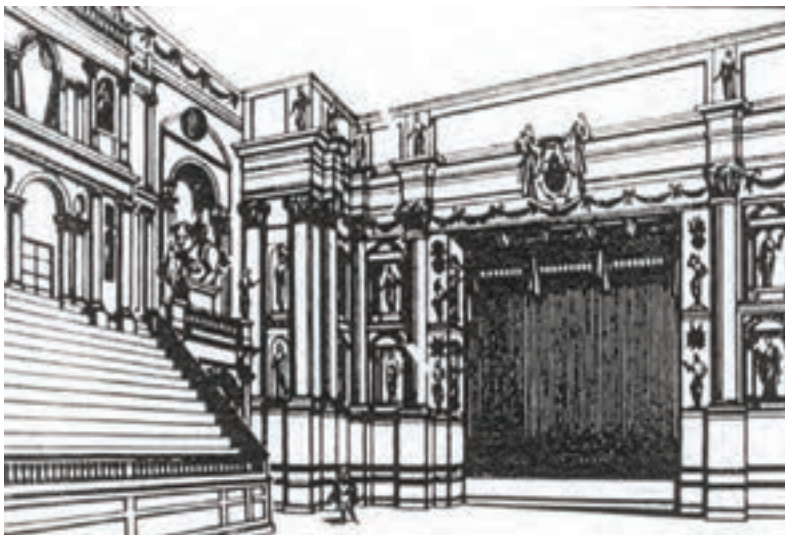




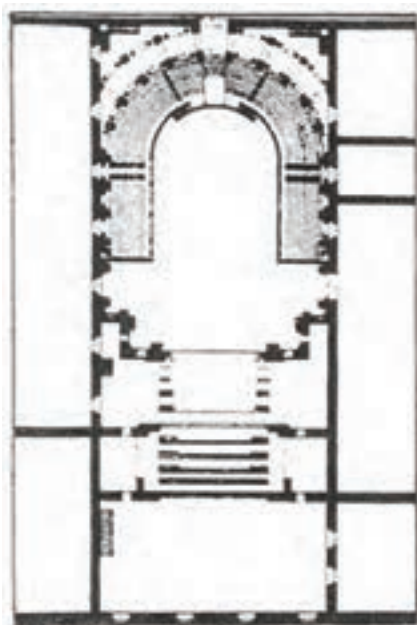
▲ شکل ۲۳-۲- نمای داخلی تئاتر و الیمپیکو به صورت کنونی



► شکل ۲۴-۲- نقشه تئاتر و الیمپیکو



شکل ۲۵-۲- دیوار پروسینیوم
تئاتر و فارنیز در بارما - ایتالیا ◀



▲ شکل ۲۶-۲- نقشه تئاتر و فارنیز در شهر پارما - ایتالیا



▲ شکل ۲۷-۲- وسیله‌ای برای کم کردن نور. با پائین آوردن استوانه‌های بالائی نور کم و با بالا بردن نور زیاد می‌شود.



خود آزمایی فصل دوم

- ۱- قسمت‌های مختلف معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان را نام ببرید.
- ۲- در مورد هر یک از قسمت‌های مختلف معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان توضیح دهید.
- ۳- وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتر یونان باستان را نام ببرید.
- ۴- کاربرد هر یک از وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتر یونان باستان را توضیح دهید.
- ۵- تفاوت‌های معماری تئاترهای هلنی با معماری آمفی‌تئاترهای یونان باستان را بیان کنید.
- ۶- در مورد معماری آمفی‌تئاترهای روم باستان توضیح دهید.
- ۷- در مورد وسایل و ماشین‌آلات فنی مورد استفاده در صحنه‌های تئاتری روم باستان توضیح دهید.
- ۸- انواع صحنه‌آرایی در روم باستان را بیان کنید.
- ۹- محل اجرای نمایش‌ها و معماری تئاتر در قرون وسطی را توضیح دهید.
- ۱۰- تکامل نمایش‌های مذهبی و محل اجرای نمایش‌ها در قرون وسطی را توضیح دهید.
- ۱۱- در مورد وسایل فنی مورد استفاده در تئاترهای قرون وسطی توضیح دهید.
- ۱۲- صحنه‌آرایی نمایش‌ها در قرون وسطی را توضیح دهید.
- ۱۳- موضوعات مختلف نمایش‌های مذهبی در قرون وسطی را بیان کنید.
- ۱۴- جنبش رنسانس در اروپا را به اختصار شرح دهید.
- ۱۵- در مورد معماری تئاتر در دوران رنسانس توضیح دهید.
- ۱۶- علت به‌وجود آمدن صحنه‌های قاب عکسی در دوران رنسانس را به اختصار شرح دهید.
- ۱۷- تعدادی از کسانی را که در به‌وجود آمدن صحنه‌های قاب عکسی نقش داشته‌اند را نام ببرید.
- ۱۸- نمونه‌های ساخته شده از تئاترهای با صحنه قاب عکسی در دوران رنسانس را نام ببرید.
- ۱۹- در مورد طراحی صحنه و استفاده طراحان از علم پرسپکتیو، منشورهای سه گوش و ... در دوران رنسانس توضیح دهید.
- ۲۰- انواع طراحی صحنه در دوران رنسانس را توضیح دهید.